

هیاهوی قهرمان بوکس سنگین وزن

در راهپیمایی

جاشوا: زندگی همه آدم‌ها مهم است

گزارش

آنتونی جاشوا قهرمان بوکس سنگین وزن جهان با شرکت در راهپیمایی اعتراض آمیز مردم شهر وانفورד انگلیس، سروصدا به پا کرد. جاشوا که اهل وانفورد است و در سه تا از ۴ سازمان جهانی بوکس، قهرمان بوکس سنگین وزن شناخته می‌شود، به جنبش «بلک لایوز متر» (زندگی سیاهان ارزش دارد) - جنبشی که پس از کشته شدن جورج فلوید شهروند سیاه پوست آمریکایی به دست پلیس این کشور به راه افتاد - پیوسته و در این راهپیمایی یک سخنرانی غرا و تأثیرگذار هم انجام داد.

دارنده کمر بند قهرمانی اتحادیه جهانی بوکس، سازمان جهانی بوکس و فدراسیون جهانی بوکس، که بایک هو دی مشکي که نام جنبش هم جلوی آن درج شده بود، به صدها تن از همشهریان‌ش در راهپیمایی مسالمت آمیز عصر شنبه در وانفورد ملحق شد. او که این روزها در حال سپری کردن روند ریکاوری مصدومیت اخیرش در تمرینات است، پشت میکروفون هم رفت برای حضار سخنرانی کرد.

او در حالی که توسط نزدیکانش احاطه شده بود، خطاب به همشهریان‌ش در وانفورد گفت: «ما از امروز به بعد دیگر نمی‌توانیم احساس افتخار کنیم، دیگر نمی‌توانیم ساکت بمانیم و نسبت به کشتار بی معنی و غیرقانونی انسان‌ها و رفتارهای نژادپرستانه نسبت به یکسری انسان‌ها آن هم صرفاً به خاطر رنگ پوست‌شان بی تفاوت بمانیم. باید در راهپیمایی‌های صلح آمیز مانند راهپیمایی امروز صدای مان را به گوش دنیا برسانیم. پس مرحباً به وانفورد، واکسن (ضد نژادپرستی) را تزریق کنید.

ما نباید با اهداف خود خواهانه تظاهرات و آن را به خشونت و اوباشگری تبدیل کنیم. باید در این تظاهرات غیر خشونت آمیز با هم متحد باشیم. به نژادپرست‌ها نشان دهید که چقدر این رفتار دردناک است، از خرج کردن پول‌هایتان در فروشگاه‌ها و تقویت اقتصادشان خودداری کنید و در عوض آن را صرف حمایت از تجارت‌هایی کنید که توسط افراد سیاه پوست اداره می‌شود.

این هم فقط محدود به جامعه ما نمی‌شود و برای تمام جوامعی است که می‌خواهند به خودشان تکانی دهند و در تجارت‌های خودشان سرمایه‌گذاری کنند. ما باید به جوان‌ها فرصت بدهیم. در عین حال من کاملاً موافقم که به فرهنگ نادرست جوانان سیاه هم پایان دهیم. می‌خواهم با شما در باره این فرهنگ واقع بینانه صحبت کنم.

من صد در صد با اوباشگری مخالفم اما چیزی که شما هم باید بفهمید این است که دوره این چیزها تمام شده است. واقعاً تمام شده، به من اعتماد کنید.»

جاشوا ادامه داد: «اگر نمی‌خواهید که به زندان بیفتید و سال‌های زیادی از زندگی‌تان را در آنجا صرف فکر کردن به اعمال‌تان کنید، دست از آشوبگری‌ها بردارید. دوره این چیزها به سر آمده است چون آنجا کلی دوربین هست که زیر نظر‌تان دارد کلی مأمور اطلاعاتی هست. زندگی گانگستری تمام شده است. من می‌دانم که با شرکت کردنم در این راهپیمایی تبلیغ کننده آشوب نیستم. من درخواستی مشروع دارم. من با اوباشگری مخالفم و این در DNA و خون من است.»

جاشوا سپس درباره قتل جورج فلوید به دست پلیس آمریکا صحبت کرد و گفت: «می‌دانم که با استفاده از دانش خیابانی‌ام و انتقال آن به دنیای حقوقی، کلی احترام کسب کرده‌ام اما باز هم می‌گویم که فرهنگ اوباشگری به پایان رسیده است. ما باید در این مسأله ورود کنیم و به فرهنگ باند جوان‌های سیاه پایان دهیم. زندگی هر کسی مهم است و من صد در صد با این موضوع موافقم و این شامل زندگی سیاه‌پوست‌ها هم می‌شود و به همین دلیل هم من الان اینجا هستم. جورج فلوید؛ همه ما نام او را شنیده‌ایم. او کسی بود که باعث سرعت گرفتن جنبش اعتراضات به اعمال خشونت نسبت به یک لیست بلند بالا از انسان‌ها شد.»



نگاهی به ساختار باشگاه‌ها در فوتبال آلمان

تفاوت هوینس با رومنیگه در چه بود؟

گزارش

در سازمان‌ها، معمولاً از دو عبارت «رئیس» و «رئیس هیأت مدیره» به جای هم استفاده می‌شود اما در باشگاه‌های آلمانی، اوضاع به شکلی متفاوت به پیش می‌رود و دو نفر عهده‌دار این دو سمت هستند اما تفاوت این دو پست در بوندس لیگا چیست؟

برای پاسخ به این پرسش باید به این پرداخت که باشگاه‌های آلمان و سلسله مراتب مدیریتی آنها چطور سازمان می‌یابند. بسیاری از باشگاه‌ها، از جمله بایرن مونیخ و بوروسیا دورتموند، در واقع شرکت تابعه یک شرکت اصلی به شمار می‌روند.

دو شرکت اف‌سی بایرن مونیخ AG و بوروسیا دورتموند GmbH & Co مؤسساتی حقوقی هستند که باشگاه‌های بایرن مونیخ و بوروسیا دورتموند نماینده آنها در فوتبال به شمار می‌روند. اکثر این شرکت‌های حقوقی در اوایل دهه ۲۰۰۰ تأسیس شده‌اند. بایرن به عنوان AG تأسیس شده که به معنای «با مسئولیت محدود» است. دورتموند هم GmbH است که نوعی شرکت خصوصی محدود به شمار می‌رود. این شرکت‌ها معمولاً نماینده تیم فوتبال اصلی مردان هستند اما می‌توانند سایر تیم‌ها را هم زیر پوشش خود داشته باشند. به همین دلیل ساختار خاصی در داخل شرکت‌ها وجود دارد. برای مثال، کارل - هاینس رومنیگه ریاست هیأت مدیره بایرن مونیخ AG را به عهده دارد. هانس - بوآخیم واتسکه نیز مدیر ارشد اجرایی و رئیس هیأت مدیره اجرایی بوروسیا دورتموند GmbH & Co است. باشگاه‌ها در آلمان عناوین خاصی برای این پست‌ها در ساختارشان دارند اما در کل این افراد به عنوان رئیس هیأت مدیره یا مدیر ارشد اجرایی شناخته می‌شوند و اغلب این دو پست به جای هم استفاده می‌شوند.

بسیاری از این شرکت/باشگاه‌ها هیأت نظارت یا هیأت مدیره دارند که اغلب سهامداران یک شرکت هستند که قرار است منافعشان را در داخل باشگاه ترویج کنند.

سپس نوبت به خود باشگاه می‌رسد که اغلب با پسوند e.v. در انتهای نامش شناخته می‌شود (به معنای باشگاه ثبت شده). برای مثال، باشگاه فوتبال بایرن مونیخ e.v. یا بال اشپیل‌فراین بوروسیا e.v. دورتموند.

هواداران در عمل عضو این باشگاه‌ها می‌شوند. برای مثال، بایرن در نوامبر ۲۰۱۸، ۲۹۱ هزار طرفدار عضو داشته است، که بیشترین تعداد عضو در جهان است. در اینجاست که بحث ریاست باشگاه مطرح می‌شود، یعنی فردی که انتخاب می‌شود تا تمامی فعالیت‌های ورزشی باشگاه را زیر نظر داشته باشد. این کار با رأی‌گیری از اعضا انجام می‌شود.

در مونیخ، این سمت متعلق به اولی هوینس بود و حالا هربرت هاینر رئیس باشگاه است. هاینر پیش‌تر مدیر ارشد اجرایی آدیداس بوده است. البته هاینر رئیس هیأت ناظر بایرن مونیخ AG هم هست، مانند راینهارد روبال که ریاست هیأت ناظر بوروسیا دورتموند GmbH را به عهده دارد. همانطور که قبلاً گفته شد، عناوین مختلفی برای مدیران باشگاه‌ها وجود دارد، که بستگی به این دارد باشگاه‌ها چه ساختاری دارند اما در هر حال، نقش رئیس هیأت مدیره و رئیس و مدیر

ساختار باشگاه‌های

فوتبال در آلمان

پیچیده است

اما باشگاه‌هایی

مانند بایرن یا

دورتموند چگونه

اداره می‌شوند؟

کم و بیش یکی است.

آنها مسئولیت مدیریت باشگاه را به عهده دارند، سخنگوی باشگاه هستند، نمایندگی باشگاه در شهر محل استقرار باشگاه و در خارج از آن به عهده‌شان است و البته از نزدیک با طرفداران در ارتباط هستند. تصمیمات درباره انتقالات و انتصابات مدیریتی معمولاً با امضای رئیس هیأت مدیره و با مشورت مدیر ورزشی انجام می‌شود.

اما اغلب ساختاری وجود دارد که طبق آن، پست‌های رئیس هیأت مدیره و مدیر ورزشی ادغام می‌شوند. برای مثال، در اشتوتگارت، هیأت مدیره سه عضو دارد که

همه جنبه‌های متفاوت باشگاه‌داری زیر نظر آنها است. اشتفان هایم مسئول امور مالی، مدیریتی و عملیاتی است، یوخن روتگرمان کار بازاریابی و فروش را به عهده دارد و توماس هیتسل اشپرگر هم مدیر ورزشی و رئیس هیأت مدیره در بخش ورزش است. به بیان دیگر، او مدیر ورزشی است که در هیأت مدیره هم حضور دارد. یوخن اشنایدر در شالکه هم پست مشابهی در هیأت مدیره سه نفره دارد و مکس ابرل در بوروسیا مونشن‌گلادباخ هم مدیر ورزشی است و هم مدیر ارشد اجرایی. او البته مدیریت ارشد اجرایی را با همکاری اشتفان شپیرس به پیش می‌برد. لوتز فانتل اشتیل (فورتونا دوسلدورف)، یوخن زایر (فرایبورگ)، میشائیل پریس (هرتابرلین)، روون شرودر (ماینس)، فرانک باومن (وردربرن)، اولیور رورنر (اونیون برلین) و یورگ اشماتکه (ولفسبورگ) همگی مدیران ورزشی‌ای هستند که سمت رئیس هیأت مدیره یا مدیر ارشد اجرایی را هم دارند.

اما چگونه می‌توان رئیس، یا رئیس هیأت مدیره شد؟

رئیس اغلب با آرای اعضای باشگاه انتخاب می‌شود. البته همیشه این اتفاق نمی‌افتد و برای مثال انتخاب رئیس در بایرلورکوزن و ولفسبورگ به شیوه دیگری است. این دو باشگاه از قانون ۵۰+۱ بوندس لیگا تبعیت نمی‌کنند؛ طبق این قانون، طرفداران باید مالک بیش از نیمی از باشگاه باشند. اما مسأله این است که سرمایه‌گذاران لورکوزن و ولفسبورگ بیش از ۲۰ سال است که در این دو باشگاه حضور دارند و به همین دلیل آنها از قانون ۵۰+۱ مستثنی شده‌اند. طبق قانون، اگر سرمایه‌گذاران بیش از ۲۰ سال در یک باشگاه حضور داشته باشند، نیازی نیست که حتماً مالکیت بیش از نیمی از باشگاه با هواداران باشد. بایرلورکوزن در سال ۱۹۰۴ از سوی کارکنان شرکت داروسازی آلمانی بایر تأسیس شد که در شهر لورکوزن قرار داشت. ولفسبورگ هم در سال ۱۹۴۵ تأسیس شد. مؤسسان آن کارکنان محلی شرکت فولکس‌واگن بودند و شهر ولفسبورگ هم تنها هفت سال پیش از آن برای کارخانه تولید ماشین فولکس‌واگن ساخته شده بود. این شرکت که نامش به معنای «خودرو مردم است»، به تولید خودرو معروف فولکس‌واگن قورباغه‌ای پرداخت که در آن دوران بسیار محبوب شده بود.

صد درصد سهام این دو باشگاه متعلق به بایر AG و فولکس‌واگن AG است و به این ترتیب رئیس باشگاه‌ها را هم شرکت‌ها تعیین می‌کنند. کار انتخاب رئیس هیأت ناظر بر باشگاه‌ها هم به عهده این دو شرکت است. به این ترتیب خبری از عضویت هواداران در این دو باشگاه نیست. رئیس هیأت مدیره باشگاه یا مدیر ارشد اجرایی این دو باشگاه هم از سوی خود باشگاه‌ها انتخاب می‌شود، که این کار به رئیس یا هیأت ناظر محول شده است و خبری از رأی‌گیری از اعضا نیست.

رئیس هیأت مدیره وظیفه اداره روزانه باشگاه و نمایندگی آن را به عهده دارد اما او در نهایت به رئیس، یا به هیأت ناظر گزارش می‌دهد. یک رئیس هیأت مدیره یا مدیر ارشد اجرایی را رئیس باشگاه می‌تواند اخراج کند و رئیس تنها با رأی اعضای هیأت مدیره می‌تواند برکنار شود.

منبع: سایت بوندس لیگا